

(28)

هو الله

ای بندهء جمال ابری از غربت شکایت نمائی و از کربت و مشقت ناله و فغان فرمائی حق با شماست فی الحقیقه بسیار گرانست و تحمل گداز ولی هر چه هست این غربت در سبیل حضرت احدیتست و این مشقت در محبت حضرت رحمانیت لهذا این آوارگی سرور آزادگیست و این بیسر و سامانی نهایت کامرانی و شادمانی ایام در هر صورت باتمام رسد و از برای هر آغازی عاقبت و انجامی و چون بساط حیات منطوی شود گذشته چه تلخ و چه شیرین ولی آنان که سرمست جام غرور بودند بقبر مطمور شتافتند و نفوسی که در سبیل الهی اسیر بلاء موفور بودند نافه اسرار بر جهان و جهانیان نثار فرمایند پس تو از بلا و محن ممتحن مشو و مانند گل در این چمن شکفته باش تا فرح روحانی یابی و مسرت وجدانی جوئی و علیک التحیة و الثناء (ع ع)